



گفت‌وگوی «ایران» با کاظم جلالی
سفیر ایران در روسیه

حمله گسترده و متمرکز به تحکیم روابط ایران با روسیه نوین

غرب نگران رابطه ایران و روسیه است / رقم صادرات به روسیه میزان بسیار کمی است، اگر ما فقط به یک درصد صادرات به روسیه فکر کنیم ۲.۵ میلیارد دلار می شود

خودمان ۴ نوع روسیه را تفکیک کنیم. یک روسیه؛ روسیه تزاری بود که خاطرات تلخی از آن داریم. در این خصوص تاریخ کاملاً مشهود و گواه است که دوماً موجب شد که ما در آن دوران تضعیف شویم. یک مورد بی‌تدبیری حاکمان آن روز ایران در عصر قاجاریه و دوم زیاده‌خواهی که در روسیه تزاری بود موجب شد که ما در آن دوران خاطرات تلخی از روسیه داشته باشیم. دومین روسیه، روسیه دوران اتحاد جماهیر شوروی است که به لحاظ میانی با آنها دچار اختلاف بودیم. امام عظیم‌القدر ما آن زمان در نامه‌ای که برای آقای گورباچف نوشتند، اختلافات رویکردی و میانی معرفتی را ذکر کردند. دوره کوتاه دیگر، دوره بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. در دهه ۹۰ میلادی که در اصل روسیه تلاش کرد به نوعی با غرب به سمت همگرایی پیش برود. غربی‌ها نیز تلاش کردند به روس‌ها به گورباچف و به یلتسین وعده بدهند. مردم روسیه و جریان ملی‌گرای روسی از دهه ۹۰ بخوبی یاد نمی‌کند و آن را مناسب شأن و شخصیت قدرت مستقل خود نمی‌داند. اتفاقاً جریان نوین روسیه که آقای پوتین آن را سرمداری کرد و شکل داد، دقیقاً جریان اعتراضی به روند جریان گذشته و دهه ۹۰ میلادی بود. درباره دهه ۹۰ میلادی حرف زیاد است که چه اتفاقاتی در داخل روسیه افتاد و برخی از سیاستمداران روسی چگونه در بازی غرب وارد شدند و این کار ابعاد مختلف قابل توجهی دارد. از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی دفاعی و نظامی آن قابل توجه و بررسی است. رویکرد ما نسبت به دوره تزاری منفی است و دوره مناسبی برای سرزمین ایران و ایران بزرگ نیست. دوره دوم، دوره کمونیسم و سوسیالیسم که این دوره با میانی ما سازگار نیست و امام گرانقدر ما نامه مذکور را نوشت. جریان انقلاب اسلامی نیز اصولاً به لحاظ میانی در مقابل کمونیسم و در مقابل سوسیالیسم بود. دوره سوم دورانی است که روسیه با یک نوع شوق فزاینده و ذوق زدگی به سمت غرب پیش می‌رفت که این دوره نیز برای روسیه بسیار عجیب است.

دوره چهارم دوران روسیه نوین است که ما باید آن را خوب بشناسیم. در دوره چهارم که از سال ۲۰۰۱ می‌توانیم به حساب بیاوریم که در اصل آقای پوتین کفیل ریاست‌جمهوری می‌شوند و بعد به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند. فکر می‌کنم که این دوران با گذشته متفاوت است. تلاش روس‌ها این است که در این دوره اولاً مجدداً سیادت گذشته را احیا کنند ثانیاً در این دوران روسیه تلاش کرد که زیرساخت‌های خود را توسعه دهد و خود را به لحاظ اقتصادی بازسازی کند. رشد اقتصادی سال‌های اولیه دهه قرن جدید میلادی کاملاً این موضوع را نشان می‌دهد. در همین خصوص پارسال در روسیه یک مقاله را در نشریه مربوط به وزارت خارجه روسیه درباره همین موضوع چاپ کردم.

■ **باین اوصاف آیا اصولاً روسیه از پتانسیل و ظرفیت لازم به عنوان یک شریک**

«پیش‌بینی حداقل سهم ۵ میلیارد دلار صادرات ایران از بازار وارداتی ۲۴۰ میلیارد دلار روسیه و پیش‌بینی درآمد ترانزیتی حداقل ۲۰ میلیارد دلار برای کشور ایران از انجام ابرپروژه اقتصادی حمل و نقل قرن ۲۱ از مسیر کریدور شمال و جنوب بین روسیه و ایران؛ نتایج اقتصادی ملموس اولیه و قابل دسترس از تحکیم روابط ایران با روسیه نوین است. اما مشکل اینجاست که برخی با شبیه‌سازی روسیه نوین امروز با برداشت‌های منفی و رسوب شده از رفتار تاریخی روسیه تزاری و نیز تمایلات سلطه‌گری اتحاد جماهیر شوروی در زمان حاکمیت کمونیست‌ها، هرگونه تحکیم روابط امروز ایران با روسیه نوین را تخریب می‌کنند.» این جملاتی است که کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه می‌گوید و البته این نگاه را ناشی از تهاجم رسانه‌ای و روانی گسترده و متمرکز ماشین عملیات روانی و تبلیغاتی انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها در میان افکار عمومی ایرانی می‌داند. به اعتقاد او، اقتصاد دولتی و خصوصی ایران همان‌طور که سیاست روسیه و روسیه نوین را کم می‌شناسد، اقتصاد روسیه را هم کم می‌شناسد. اما حالا فصل نوینی در روابط ایران و روسیه آغاز شده است؛ فصلی که بایک نگاه استراتژیک توأم است. با کاظم جلالی درباره این فصل تازه به گفت‌وگو نشستیم.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس سه عنصر مهم عزت، حکمت و مصلحت پیش می‌رود. جمهوری اسلامی ایران مدعی نیست که در سیاست خارجی خود اشتباه ندارد اما حداقل می‌توانیم این را در طول ۴۳ سال گذشته قاطعانه ادعا کنیم که ما در سیاست خارجی وابسته به بلوک‌های قدرت نبودیم و براساس منافع ملی خودمان در سیاست خارجی تصمیم گرفتیم. اگر کسانی به تاریخ ایران قبل از انقلاب اسلامی خصوصاً در دوره قاجار و در دوره پهلوی اشراف داشته باشند می‌بینند که ما همیشه به نوعی در موازنه مثبت بودیم. ما امتیازی را به یک بلوک قدرت در داخل دنیا می‌دادیم، بلوک دیگری ناراحت می‌شد و مجبور بودیم آن امتیاز را به بلوک دیگر نیز بدهیم. در مقطعی در دولت مرحوم مصدق تلاش شد که سیاست خارجی ایران به صورت موازنه منفی حرکت کند که دیدیم همان را نیز قدرت‌های بزرگ همچون امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها بر نتافتند و نگذاشتند که این سیاست دوام و قوام داشته باشد. اساساً ملی شدن صنعت نفت براساس همین فرایند بود که یک موازنه منفی در داخل کشور ایجاد شود. به این معنا که اگر امتیاز نفت شمال را نمی‌خواهیم به روسیه بدهیم، امتیاز نفت جنوب را نیز از انگلیس بگیریم. می‌دانید که در ابتدا یک همراهی‌هایی با ایران شد اما بعداً بین انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها یک توافقی انجام شد و نهایتاً کنسرسیومی تشکیل شد که وضعیت را از قبل نیز بدتر کرد و نفت را به سمت نادرستی بردند. در گذشته تاریخ ایران این بوده و هنوز برخی افراد در گذشته سیر می‌کنند. تصور می‌کنند جمهوری اسلامی ایران در حال امتیاز دادن به یک قدرت یا جریانی در عرصه جهانی است در حالی که چنین نیست. سیاست خارجی ما یک سیاست خارجی مستقل است و این یک نکته مهم است. رهبری معظم انقلاب با هوشمندی تام این سیاست خارجی را به نحوی که استقلال کشور دچار خدشه نشود پیگیری کردند و این در رهنمودها و تذکرات ایشان، مجریان و متصدیان دستگاه سیاست خارجی کاملاً مشهود است.

بحث دوم این است که روسیه نوین را باید شناخت. ما باید در ذهن

■ **به‌طور کلی نگاه ایران به روسیه چگونه است و آیا نگاه جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر به روسیه تغییر کرده است؟ و البته سفر رئیس‌جمهور به روسیه را چطور می‌بینید؟**

طبعاً سفر ریاست‌محترم جمهور به روسیه در شرایط کنونی سفر بسیار مهمی است که به شکل دعوت رسمی توسط آقای ولادیمیر پوتین از ریاست‌محترم جمهور، این سفر انجام خواهد شد. در مورد نگاه جمهوری اسلامی ایران به روسیه باید ببینیم منظورمان چه نگاهی است؟ نگاه برخی اشخاصی است که در داخل ایران نگاه غرب‌گرایانه دارند یا منظور نگاه مستقل خود ملت ایران است؟ فکر می‌کنم مشکل نگاه ساختگی در ایام جاری است که برخی با شبیه‌سازی روسیه نوین امروز با برداشت‌های منفی و رسوب شده از رفتار تاریخی روسیه تزاری و نیز تمایلات سلطه‌گری اتحاد جماهیر شوروی در زمان حاکمیت کمونیست‌ها، هرگونه تحکیم روابط امروز ایران با روسیه نوین را تخریب می‌کنند و البته این نگاه را ناشی از تهاجم رسانه‌ای و روانی گسترده و متمرکز ماشین عملیات روانی و تبلیغاتی انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها در میان افکار عمومی ایرانی می‌دانم. معتقدم که ماشین عملیات روانی و تبلیغاتی انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها می‌خواهند با نشر روزافزون سیمای روس شورو، نفرت از روسیه و تبلیغ اینکه روس‌ها بد و خطرناک هستند و غیرقابل اعتماد و غیر قابل پیش‌بینی هستند و هیچ فرقی بین روسیه تزاری، شوروی کمونیستی و روسیه نوین پسافروپاشی وجود ندارد، نگاه و حس افکار عمومی در ایران را علیه تحکیم روابط ایران با روسیه نوین تحریک و حساس نمایند تا بتوانند از هم‌افزایی قدرت نوظهور ایران با قدرت بین‌المللی در حال احیای روسیه نوین جلوگیری نمایند.

نگاه مستقل این است که روسیه یک کشور قدرتمند در همسایگی شمال ایران است. طبعاً جمهوری اسلامی ایران فارغ از روابط خود با سایر کشورها علاقه‌مند است که با روسیه به عنوان کشور همسایه شمالی خود روابط مستحکمی مبتنی بر منافع ملی خود داشته باشد. برای تبیین درست‌تر باید چند نکته عرض کنم؛ نکته اول اینکه اصولاً

